

پیکان گام فراتر و

محمدرضا حاشمی

دوستان سلام!

اولین بهار تعلیم و تربیت دهه ۹۰ بر شما خوبان و همراهان مبارک.

سال گذشته در آخرین شماره، به بحث درباره چگونگی ارزش‌یابی پرداختیم و گزارشی تحت عنوان «کلاس آرامش‌بخش» تقدیم شما خوبان کردیم. در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در نظر داریم به سراغ دانش‌آموزان این مدرسه برویم و نقطه نظرات آن‌ها را در زمینه آثار این نوع ارزش‌یابی بشنویم. ارزش‌یابی در همه دوران‌ها وجود داشته است. با رجوع به تاریخ اسلام و مطالعه سیره اهل بیت (ع)، شاهد انواع ارزش‌یابی هستیم که برای نمونه، به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) نمونه‌ای را از ایشان یادآوری می‌کنیم.

روزی امام صادق (ع) از یکی از شاگردان خود پرسید: «از من چه آموخته‌ای؟»

عرض کرد: «هشت مسئله از شما آموختم.»

امام فرمود: «آن‌ها را برابم بازگو.»

عرض کرد: «اول این که دیدم هر محبوبی دوست خود را به هنگام مرگ رها می‌کند، از این رو همت خود را صرف چیزی

کردم که مرا در تنهایی رها نکند، بلکه انیس تنهایی‌ام باشد و آن کار نیک است.»

امام فرمود: «به خدا قسم چه نیک آموخته‌ای...!»^۱

در سال جدید، برنامه این است که یک گام به جلو برداریم. در سرگذشت ابوسعید ابوالخیر به نکته مهم و نغزی برمی‌خوریم: شیخ ابوسعید به توس رسید. مردم از او خواستند مجلسی برپا کند و سخن گوید، شیخ اجابت کرد. در خانقاه استاد تخت بنهادند و مردم آمدند و نشستند. چون شیخ بر تخت شد و قاریان قرآن خواندند، مردم هم چنان می‌آمدند، چندان که کسی را جای نشستن نماند. فردی برخاست و گفت: «خدایش بیامرزد هر کس را که به هر جای نشسته است، برخیزد و یک گام فراتر آید.»

شیخ گفت: «درود خدا بر محمد و آل او» و دست بر شانه وی فرود آورد و افزود: «هر چه ما خواستیم بگوییم که دیگران

نیز گفته‌اند، او بگفت. راستی که خدایش بیامرزد هر آن کس را که از آن جا که هست، یک گام فراتر رود.» چون این کلام

بگفت، از تخت فرود آمد و آن روز پیش از این نگفت.^۲

گر تو باشی راست، و باشی تو کز

پیش تر می‌غز، بدو، واپس مغز

مولوی

منبع

۱. حسینی‌زاده، سیدعلی. ارزش‌یابی آموزشی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). مجموعه مقالات سیاسی پیامبر اعظم و برنامه درسی تهران. ۱۳۸۶.
۲. آریان پور، امیرحسین. پژوهش. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۵۸.